



۲۰۲۰/۰۸/۲۲



ملک اشعراء محمد نسیم اسیر

کابینه مگر سنگ شده؟؟ طنز

ما گوشه نشینان دور از وطن و پاشان در پنج قاره دنیا، هر صبح و شام با اضطراب و نا آرامی رو به روی تلویزیون ها و رادیو ها گوش به آواز می نشینیم تا اگر خبر خوشی در مورد گشایش کاری، اقلأ در یک گوشه وطن بشنوم، در اخیر با حسرت و نومی در می یابیم که از مشکل ها کاسته نه، بلکه چندین بار افزوده شده است، از جمله مشکلی که در همین شش سال راه حل پیدا نمی کند، تشکیل کابینه با وزرای مسئول و جواب گو در برابر مردم و نمایندگان مردم در ولسی جرگه ست که تا هنوز با نام سرپرست، در حقیقت بی سرپرست هستند و با وزرای اداره می شوند که کمتر احساس مسئولیت می کنند.

منظومه ایست که پوره پنج سال پیش در نظام وحدت ملی «؟» سروده شده و یک بار دیگر با پیشگفتارش تقدیم میکنم. از آنجا که ما، در اصل جریان دولت وحدت ملی قرار نداریم، قضاوت های ما از دور، به مصداق مثل مشهور «سیر بین عقل چل وزیر را دارد» با عقل چهل وزیر صورت می گیرد، که به نظر من، این قضاوت ها بعضاً غیر عادلانه است که می گوئیم، آقایون «عین و غین» با هم سازش و همدلی ندارند، قحط الرجالیست، اشخاص متخصص و کار فهم موجود نیست، بر افغانان مقیم خارج که سر می دهند و تابعیت دوگانه را از دست نمی دهند، اعتبار و یا باور ندارند، این ها همه به فحوی بر غندی خیر نشستن و قضاوت کردن است. اما از آنجا که به حیث یک افغان، از حال خراب وطن ناراحتی هایی در دل ما هست، به خود حق می دهیم با این انتقادها فقط درد دل خود را تسکین بدهیم و اصل حقیقت را که سخن از کجا سرچشمه می گیرد و یا چه موانعی سر راه دو پادشاه در یک اقلیم که یکی مکرر به طرف حج و دیگری اولین بار به طرف کج سفر کرده است، وجود دارد، بکلی بیخبر می باشیم. در این جای شک نیست که آقایان در هنگام کمپاین انتخاباتی به کل و کوری وعده وعید های وزارت و سفارت داده اند که فکر می کنم، عدم وحدت فکر از همین جا شروع می شود، به این معنی که آقای که در جریان کمپاین، به نفع «عین» و مذمت «غین» گلو پاره کرده است، از نگاه آقای غین مستحق هیچ مقام و منزلتی در دستگاه نیست، حتی شایسته محاکمه و رفتن در زندان پلچرخ است، همچنان است در مورد پیروان آقای «غین»، به بارگاه آقای «عین» که باید به چنین منزلتی محکوم باشند. بهر حال هر چه هست، آنها مشکلات بزرگ تر، از جمله، زور آزمائی با دشمن محلی که هزاران وحدت ملی را پشت «نخود سیاه» روان کرده و به وحشت ملی مبدل ساخته است روبرو هستند.

با همه این مشکلات که دولت با آن پنجه می دهد، مردم انتظار و آرزو دارند که بیش ازین با سرنوشت شان بازی نشود و در معرفی کابینه اقدام عاجل صورت بگیرد.

خواستم با درک سنگینی این انتظار دوستان در سراسر جهان منظومه طنزگونه ای ترتیب نمایم که از نظر تان میگذرد:

در وحدت ملی سعه سینه کجا شد آن وعده و همدردی بی کینه کجا شد
با مشورت همدگر و دور ز مردم کابین چقدر بوده و کابینه کجا شد
از وحدت شان قربت و وصلت شده ایجاد؟ آئینه و مصحف شده، پس خینه کجا شد
گویند که ما خینه پس از عید نخواهیم آخر مثل مردم پیشینه کجا شد
شارید سر زانوی مردم ز تکاپو ما از کی بیرسیم که آن پینه کجا شد
دیرست که مردم همگی چشم براهند آن وعده پارینه و دیرینه کجا شد
ما هیچ کسی را به خدا پاک ندیدیم دلهای پراز الفت و بی کینه کجا شد
بوزینه خصالند همه صدر نشینان آن کاشف نسل نو بوزینه کجا شد
هشدار که دشمن سر بامت نبرد باز تا باز نپرسیم که آن زینه کجا شد
در کشور ما یاد کفن پوش قدیم است آن طعنه کش کهنه و پارینه کجا شد
حال بد این ملک ز سرچشمه خرابست پس عامل ویرانی سرچینه «۱» کجا شد
آن بازوی پر قدرت مردی که بسازد آبادی این ملک، نهادینه کجا شد

رفته است «اسیر» از کف ما نعمت وحدت

آن دوره بی فتنه و بی کینه کجا شد

م. نسیم «اسیر» ۱۴ مارچ ۱۵م، فرانکفورت

۱: سرچینه در پشتوی عزیز، سرچشمه را گویند



برای مطالب بیشتر این نویسنده لطفاً اینجا را کلیک کنید